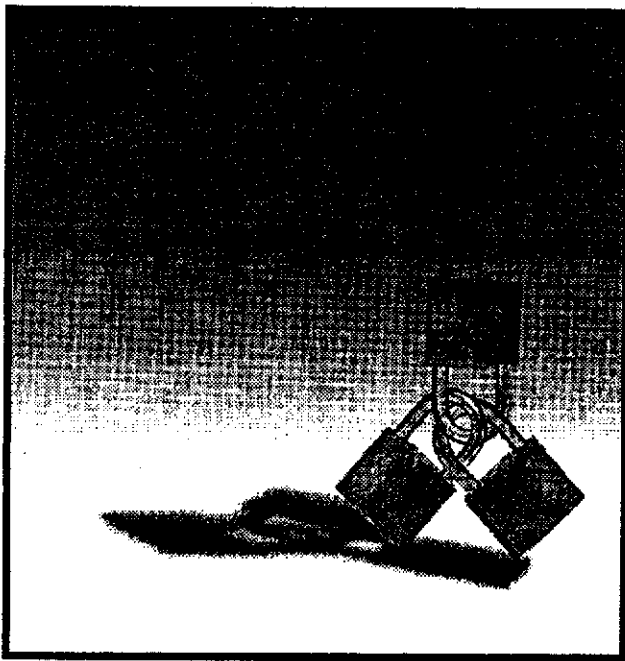


درآمدی بر پیشگیری

از وقوع جرم



(قسمت اول)

از: مرکز تحقیقات قوه قضائیه.

...و من احیایها فکانما احیای الناس جمیعا^(۱)

"یا کمیل: ما من حرکة الاوت انت محتاج

فیها الی معرفۃ علی^(۲)

مقدمه:

برای بیان هر مطلبی می توان از دو روش استفاده نمود؛ اول اینکه؛ ابتدا فرد مطالعه کند، اطلاعات را جمع آوری کند، تجزیه و تحلیل کند و بعد نتایج حاصل را ارائه دهد. دوم اینکه؛ برعکس روش اول، نخست نتایج را بیان کند و بعد به دادن اطلاعات و تجزیه - تحلیل و استدلال و بررسی مسائلی بپردازد که از طریق آنها نتایج به دست آمده است.

در این مقاله، جهت وقوف بر اهمیت و موقعیت امر پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین و در عین حال پیچیدگی فسوق العاده آن، روش اول را ترجیح می دهیم.

در مجموع، این مقاله از چهار مبحث ذیل تشکیل می شود:

در مبحث اول؛ با توجه به فرایند تعامل قانون و عرف در جامعه ما، به مشکلات

ناشی از آن که در واقع مفهوم پدیده جرم را در کشور ما مبهم می سازد، اشاره شده است. در مبحث دوم؛ به سیر تکوین مفهوم جرم و پیشگیری از آن پرداخته شده است. این مبحث، با نگاه تند و البته سریعی که به تاریخ حقوق کیفری دارد، ما را در تحلیل موقعیت فعلی یاری می کند.

مبحث سوم؛ در این بخش به تجزیه و تحلیل دیدگاههای کیفری اسلام در خصوص پیشگیری از وقوع جرم، پرداخته شده؛ مقایسه دیدگاههای کیفری اسلام با مکاتب دیگر - بویژه مکتب دفاع اجتماعی نوین - بسیار آموزنده و راهگشا می نماید.

و بالاخره در مبحث چهارم؛ با یادآوری موقعیت امر پیشگیری از وقوع جرم و شیوه های اجرای آن در بعضی از کشورهای خارج، به جایگاه قانونی آن در جمهوری اسلامی ایران، البته توأم با مشکلات موجود پرداخته شده است.

مبحث اول:

(۱-۱): «امنیت»، سنگ زیرین حیات

فردی و اجتماعی ملتها و کشورها محسوب می شود و در دنیای معاصر، برای کمتر مهمی همانند آن، اهتمام ورزیده، هزینه های گزاف صرف می نمایند. بشر امروز بخوبی واقف است که این اصل، اساس همه تحولات، خلاقیتها و پیشرفتهای همه جانبه و متوازن جامعه است و به میزان آسیب پذیری آن، زندگی اجتماعی نیز از بیماری رخوت و جمود رنج خواهد برد. بنابراین، هرچه که مخل امنیت و آسایش عمومی تلقی شود، وصف مجرمانه پیدا می کند. از این رهگذر است که امروزه پدیده مجرمانه - ضد امنیت - همانند پدیده های دیگر اجتماعی، نیازمند بررسیهای جدی و مداوم است.

نکته حائز اهمیت دیگر، اینست که چون مطالعات جرم شناسی و طرق پیشگیری از وقوع جرم مبتنی بر توسعه و تحقیقات بسیاری دیگر از علوم همانند، جامعه شناسی، روانشناسی، روانپزشکی، زیست شناسی، بوم شناسی، تاریخ، اقتصاد، آمار و ... می باشد، ضعف در حوزه هر کدام

از آنها به نوعی دامنگیر پژوهشهای جرم‌شناسی نیز خواهد بود.

بی‌گمان، تاکنون گام‌های مؤثری در کشور ما در این خصوص برداشته شده است. در این مقاله با استعانت از بعضی تجارب ارزشمند کشورهای دیگر، چشم‌اندازی نیز به مسائل «واقعی» خودمان خواهیم داشت.

(۱-۲): پیشگیری از وقوع جرم مستلزم شناخت خود «جرم» است، لذا باید اولین وظیفه انجام تجزیه و تحلیل نظام‌مند جرم در جامعه باشد. چرا که جرم، نمایانگر نهادهای مشخصی است که البته می‌تواند راهنمای مهمی برای پیشگیری از وقوع آن در آینده باشد.

در کشور ما، تنها پژوهشهای منظم و عالمانه جهت شناخت عوامل و مؤلفه‌های اجتماعی جرم‌زا بیش از پیش ضروری احساس می‌شود، بلکه اساساً برای تبیین مفهوم خود «جرم» نیز باید اقدامات اساسی‌تری صورت بگیرد.

برخلاف تصور اغلب مردم، «جرم» مفهومی کاملاً غامض و مناقشه‌آمیز دارد، خصوصاً در جایی مانند ایران که به لحاظ مسائل اجتماعی اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در مسیر تحولات سریع و گسترده‌ای قرار گرفته است که البته این امر به طور طبیعی و ناخواسته کمیت و کیفیت قانونگذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

(۱-۳): از لوازم قطعی و ضروری اقدام به پیگیری از وقوع جرم اعتقاد داشتن به دو امر ذیل است:

(۱-۳-۱): جرم و مقابله با آن، یک امر انتزاعی (مفهوم حقوقی محض) نبوده و با تسخیر و تحولات گسترده و روزافزون

جامعه ارتباط تنگاتنگی دارد.

(۱-۴): قوانین یک جامعه اگر به جای پیروی از تجربیات زندگی تنها با اتکاء به منطق ذهنی شکل بگیرد،^(۳) چه بسا جامعه را با بحران «تورم جرم» مواجه سازد.

بر این اساس، اهتمام به این امر که «حقوق، ضرورتاً براندیشه جمعی بنا می‌شود»^(۴)، در واقع تضمین ضمانت اجرایی آن محسوب می‌شود چنانکه «لئون دوگی» در این باره می‌نویسد:

قواعد حقوقی باید همچون آینه، ارزشهای حقیقی جامعه را منعکس نمایند. در غیراینصورت، حریم خاصیت «جرم‌زایی» و «زدودن اهمیت اخلاقی رفتارها از اذهان عمومی» ارمغان دیگری برای حساسانه نخواهد داشت.

«عادات و رسوم اجتماعی، در صورتی به قاعده حقوقی تبدیل می‌شود که وجدان عمومی تضمین آن را از نظر اجتماعی مشروع بداند...»^(۵)

بنابراین، قواعد حقوقی باید همچون آینه، ارزشهای حقیقی جامعه را منعکس نمایند در غیراینصورت، جز خاصیت «جرم‌زایی» و «زدودن اهمیت اخلاقی رفتارها از اذهان عمومی» ارمغان دیگری برای جامعه نخواهد داشت.

(۱-۵): هیچ تحقیقی - حداقل در ایران-^(۶) صورت نگرفته است که نشان بدهد وقتی قانونگذار به عملی وصف مجرمانه می‌دهد آن عمل حقیقتاً تا چه اندازه در میان مردم قبیح و ناهنجار تلقی می‌شود، بویژه آن قوانینی که راجع به

ارزشها و فرهنگ و معنویت هستند.

به نظر می‌رسد در جوامع امروزی که پسندیده‌ها و نهادهای اجتماعی ارتباط نهادینه‌ای باهم پیدا می‌کنند، نمی‌توان تعامل قانون و ارزشهای جامعه را بکلی منکر شد؛ خاصه در موقعیت فعلی که کشور ما در وضع «نیمه سنتی و نیمه مدرن» بسر می‌برد. نکته قابل توجه دیگر اینکه، اعتقاد به قرآن و سنت به عنوان اساسی‌ترین منبع قانونی چه بسا جریبان یکسویه‌ای را نیز در فرایند قانونگذاری به وجود می‌آورد. لذا علاوه بر دلایل دیگری که در همه جوامع مشترکاً عامل پیچیدگی مفهوم جرم هستند، در کشور ما مسائل ویژه‌ای نیز وجود دارد که افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داده و در نتیجه، به ابهام پدیده جرم بیش از پیش می‌افزاید به طوری که در وضعیت فعلی می‌تواند مانع اتخاذ تدابیر شفاف و عملی برای پیگیری از وقوع جرم قرار گیرد، که در اینجا به بعضی از آنها به طور اختصار اشاره می‌شود:

(۱-۵-۱): به نظر می‌رسد مردم با مفهوم «گناه» بیشتر آشنا و مأوس هستند تا با مفهوم «جرم»؛ البته امروزه این دو مفهوم الزاماً منطبق بر هم تلقی نمی‌شوند و به رغم عنایت قانونگذار به این مطلب، هنوز یک نوع تفکیک علمی و دقیق از این دو صورت نگرفته است. لذا اشکالات زیادی در نظر و عمل به قانون، مشهود است که البته در جای خود درخور تأمل است.

(۱-۵-۲): از آنجا که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، هر عمل خلاف قانونی در حکومت اسلامی، خلاف شرعی نیز تلقی گردید، دیگر مفهوم گناه نیز در اذهان

عمومی مانند گذشته چندان شفاف نیست.^(۷)

(۳-۱-۵): مردم مسلمان ایران در کنار مسؤولیتی که در برابر قانون دارند به لحاظ شرع، در قبال اوامر و نواهی مراجع تقلید خود نیز مسؤول هستند. مراجعی که با استفاده از منابع شرع در ابواب مختلف مانند امور عبادی، سیاسی، اجتماعی، تجاری، حقوقی، کیفری و ... نظر داشته و در رساله عملیه خود آن را بیان می‌کنند. می‌دانیم که شورای نگهبان بر این مبنا که قانون را با همه فتاوی صادر شده هماهنگ کند؛ هیچ تعهدی ندارد و البته عملاً نیز نه ممکن است و نه مطلوب. صرف نظر از این که در واقع امر تا چه اندازه مشکلات قابل توجهی بروز می‌کند، فرض چنین ساختاری مانع شفافیت مفهوم «جرم» می‌شود.

به نظر می‌رسد، تقسیم مسائل شرعی به فردی، و حکومتی به قصد رفع چنین معضلی بوده است اما در این صورت، ابهامات زیادی ایجاد می‌شود که این مقال محل طرح آنها نیست.

(۴-۱-۵): عمل به اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که اجازه می‌دهد قاضی با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر کند، علاوه بر اینکه به اعتقاد بعضی از حقوقدانان، اصل قانونی بودن جرم و مجازات را مخدوش می‌کند،^(۸) احتمال این نیز می‌رود که عملی طبق فتاوی مرجعی جرم محسوب شود در حالیکه همان عمل مطابق فتاوی مرجعی دیگر، جرم تلقی نشود؛ بخصوص راجع به امور

مستحدثه که اختلافهای فراوانی در نظرات مراجع محترم مشهود است.^(۹)

(۵-۱-۵): از دیدگاه جامعه شناختی، سخن از «جرم»، یادآور امری است در رابطه با «انسان» و «جامعه»؛ لذا اگر معرفت همه جانبه و نسبتاً شفافی از این دو مفهوم حاصل نشود و در عرف جامعه نیز استنباط مشترکی از اینها حاصل نگردد، بعید به نظر می‌رسد که بتوان تعریف مشترک و واقعی از جرم در جامعه ارائه نمود. ایرانی نیز همزمان در دو دنیای متفاوت «ستی - مدرن» زندگی می‌کند و درون او نیز مانند محیط اجتماعش میدان کارزار این دو اقنوم نه چندان سازگار با هم می‌باشد. نمی‌توان منکر شد که مزید بر مشکلات اقتصادی و معیشتی موجود، «روزگار ما»، روزگار نگرانیهای اجتماعی و اضطرابهای سیاسی و گریو دارهای مسلکی از یک سو و عصر درونکاوی و آگاهی از خویشتن از سوی دیگر است.^(۱۰) این یعنی مشوش شدن مرز باورها و بهم ریختگی هنجارهای اجتماعی. در چنین شرایطی هیچکس همانند یک عالم اجتماعی و جرم‌شناسی در نمی‌ماند و زبانش به هنگام سخن گفتن از «هنجار» و «جرم» دچار لکت نمی‌شود. (۶-۱-۶): همه ملت‌ها الزاماً در زمان واحدی زندگی نمی‌کنند و البته رشد و سعادت آنها را نیز نباید تنها به میزان نزدیکی‌شان به زمان جاری (قرن بیستم) سنجید. هر ملتی برای رشد و شکوفایی خود ضرورتاً باید زمان واقعی خود را پیدا کند و از آنجایی شروع کند که حقیقتاً هست. لذا با حفظ ارزش زحمات استادان و محققان ارجمندی که در گمنامی، دستاوردهای ذی‌قیمت تمدنهای بشری را

کشف شده مستأجر و مورد اجاره را همین مستأجره گویند.

ماده ۲۶۶ قانون مدنی

جنون و جنین در مورد هرگاه بعد از عقد هم حادث شود موجب حق فسخ برای زن خواهد بود.

ماده ۱۱۲۵ قانون مدنی

مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تخصص را در تمام امور کشور خواهد داشت.

اصل ۷۶ قانون اساسی

عهدنامه‌ها، معاهده‌ها، قراردادها، موافقت‌نامه‌های بین‌المللی نباید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسند.

اصل ۷۷ قانون اساسی

هر نظامی، حین خدمت یا در ارتباط با آن به مافوق خود به نحوی از اجزاء اهانت نماید به حبس از یک ماه تا یکسال محکوم می‌شود.

ماده ۳۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

هر یک از فرماندهان و مسئولین، خارج از محدوده اختیارات فرماندهی و آیین نامه انضباطی به افراد تحت امر خود اهانت یا آنها را تشبه نماید به حبس از یک تا شش ماه محکوم و هرگاه به موجب قوانین جرایم دیگر مستلزم حد یا قصاص یا دیه باشد به آن مجازات نیز محکوم می‌گردد.

ماده ۳۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

هیچیک از صاحبان طبقه تحتانی و غریبه فوقانی نمی‌تواند دیگر را اجبار به تعمیر یا مساعدت در تعمیر دیوارها و سقف آن نماید.

ماده ۱۲۸ قانون مدنی

از طرق مختلف، خاصه «ترجمه» وارد عرصه اندیشه میهن عزیزمان می‌کنند، باید یادآور شد که تلاش بی‌شائبه آنها از آنجا که در داخل کشور به کمک تحقیق و پژوهش در راستای شناخت جامعه و انسان ایرانی حمایتی نمی‌شود، عقیم مانده و چه بسا ناخواسته جامعه ما را به اتخاذ تدابیر انفعالی سوق می‌دهد.

مسئله دستاوردهای بزرگ تمدن نوین، احساس هر انسان منصفی را به تحسین و امی دارد ولی نباید از این نکته غفلت کرد که همواره یک سؤال مشترک در همه مکانها و زمانها، الزاماً جواب واحدی نخواهد داشت! بنابراین، چون بسیاری از مشکلات و معضلات ما در زمینه پدیده جرم به طور ماهوی فرق دارند، لذا ما نیز گاهی از تجارب و دستاوردهای دیگران در حد ساختاری و روشی می‌توانیم بهره بگیریم.

حقیقت اینست که غنای دیگران و تحقیقات و پژوهشهای کشورهای پیشرفته، هرگز خلاء علمی و تحقیقی ما را پر نخواهد کرد و اکتفا به ترجمه و آگاهی از اندوخته‌های دیگران گرهی از مشکلات فرو بسته ما نخواهد گشود. اگر چه کم‌لطفی به تجارب دیگران و عدم استفاده از آنها را باید یک خسارت بزرگ تلقی نمود.

مبحث دوم:

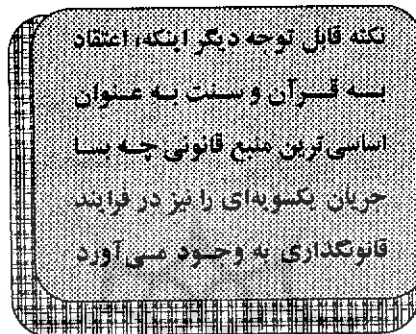
سیر تکوین مفهوم جرم و پیشگیری از وقوع آن:

(۲-۱): برای درک مفهوم نوین پدیده «جرم» بهتر است کمی به عقب برگردیم. برای اجتناب از تطویل کلام و درک مفهوم سنتی «جرم» و طریق مقابله با آن، از بیان شیوا و رسای «سالدانا»^(۱۱) کمک بهره

می‌بریم. به نظر این جرم‌شناس، در دستگاه عدالت، همیشه مسأله‌ای به صورت ذیل مطرح می‌شود:

توبی وجود دارد که اندازه دهانه آن صد میلیمتر است و باید قدرت پرتابش حدود ۱۰ کیلومتر باشد برای چنین توبی چه مقدار باروت لازم است؟

در این مسأله توب «قانون»؛ اندازه دهانه توب، «جرم»؛ باروت «مجازات» و پرتاب شونده «بزهکار» می‌باشد.^(۱۲)



بعضی نیز قضاوت به سبک کلاسیک را این‌گونه مورد انتقاد قرار داده‌اند:

قضاوت به یک تئاتر می‌ماند که در آن، دادستان و وکیل مدافع نقشهای اساسی و اول و شهود، نقشهای دوم را به عهده دارند. هیأت داوران، کارگردانان تئاتر می‌باشند. در وسط این صحنه، «بزهکار» بدون آنکه نقشی به او واگذار شده باشد، و یا در این نمایش صاحب شخصیتی باشد، به صورت یک غول بی‌شاخ و دم و یک دیو وحشتناک و خطرناک ظاهر می‌شود که به طور مداوم هدف حملات گوناگون و حتی اهانت‌های دادستان قرار می‌گیرد.

بزهکار فقط بر حسب جرمی که مرتکب شده است، نامی دارد مثلاً اگر دست به دزدی زده به نام «دزد». اگر مرتکب قتل شده، به نام «قاتل». اگر چاقوکشی کرده، «چاقوکش». اگر ضرب و جرحی به وجود

آورده، به نام «ضارب». اگر اختلاس کرده، به نام «مختلس». اگر کلاهبرداری کرده، به نام «کلاهبردار». اگر روسپی و لگدراست به نام «فاحشه و بدنام» و... معرفی می‌شود و تحت همین عنوان از او گفتگو به عمل می‌آید.^(۱۳)

یافته‌های تجربی و اندوخته‌های علمی به ما نشان می‌دهد که این شیوه نگرش به جرم و مجازات تا چه اندازه می‌تواند مفسده‌انگیز باشد. پرواضح است که در دیدگاه فوق، معیار انسانی و اجتماعی عمل مجرمانه و شخصیت مجرم و نیز شخصیت بزه‌دیده لحاظ نمی‌شود؛ بلکه به شیوه‌ای جزمی، جرم منحصرأ به عنوان یک جوهر و ذات حقوقی تصور شده و مجازات همچون ضمانت اجرائی لازم و ضروری علیه نقض قاعده حقوقی تلقی شود.^(۱۴)

(۲-۲): زمانی که عوامل به وجود آورنده جرم - اعم از شرایط خاص محیطی و ویژگیهای فردی بزهکار و بزه‌دیده - مورد توجه واقع نشود؛ سرکوبی معلول هر چقدر هم با خشونت صورت پذیرد، حاصلی نخواهد داشت. اعمال مجازات‌های سنگین، جهت برجیدن جرم از جامعه بی‌گمان تفکری باطل است؛ چرا که مجرم تا حد زیادی محصول محیط خود است و یا اینکه نارسایی‌هایی در جسم و فعالیت‌های جسمانی وی وجود دارد.

«بریسودو واریسل»^(۱۵) در عبارت کوتاهی بزبانی بیان می‌کند که:

«بزهکار یا مریض است و یا نادان. باید به درمان و آموزش او پرداخت، نه اینکه او را خفه کرد.»^(۱۶)

به اعتقاد «بکاریا» سختی مجازات‌ها نه تنها با هدف پیشگیری از وقوع جرم

مغایرت دارد، بلکه حفظ تناسب میان جرم و مجازات را که امری ضروری است نیز از بین می‌برد.^(۱۷)

«لوی بسرول» نیز در این مورد می‌نویسد:

«هیچ‌گاه خشونت زیاد مجازات‌ها در واقع و به طور جدی از ظهور مجدد جرم پیشگیری نکرده است.»^(۱۸)

حضرت علی علیه السلام، نیز بر این تفکر صحه گذاشته است؛ ایشان در جمله‌ای موجز و زیبا بیان می‌فرمایند که:

«رَبِّ قَوْلٍ أَنْفَدَ مِنْ صَوْلِي» یعنی: غالباً گفتار ملائیم، مؤثرتر از حمله و خشونت است.^(۱۹)

این باور در جوامع پیشرفته امری نسبتاً بدیهی به شمار می‌رود اما به نظر می‌رسد که در جامعه ما هنوز چندنان جایگاهی ندارد. این از عجایب جامعه ماست که تصور غالب عامه مردم غلبه تقدیر و سرنوشت بر خواسته آدمی است.^(۲۰) اما در عین حال، نگاهشان به مجرم چنان غضب‌آلود و بیرحمانه است که گویی فرشته‌ای آسمانی دستش را به گناه آلوده است.

(۲-۳): باری، نگاه به تاریخ گذشته نشان می‌دهد عکس‌العمل آحاد مردم در مقابل بزه، تحمل کیفر برای تشفی خاطر زیان‌دیده و تنبیه فرد خاطی بوده است و توجه وافر به روحیات مجرم و اوضاع و احوالی که وی در حین ارتکاب جرم در آن قرار داشته، نمی‌شد. با سپری شدن قرن‌ها به این منوال از عمر بشر، بتدریج این نکته به ذهن عده‌ای از محققین خطور کرد که تنها مجازات نمی‌تواند عامل بازدارنده مجرم از جرم و تخلف باشد بلکه باید در این

راستا، تدابیر دیگری نیز اندیشید.^(۲۱)

(۴-۲): با ظهور مکتب تحقیقی،^(۲۲) تغییرات اساسی در نگرش به جرم و مجازات پدید آمد و مطالعات و تحقیقات از مفهوم انتزاعی «جرم» به سمت و سوی «مجرم» و محیط پیرامون وی گرایش پیدا کرد. طرفداران مکتب تحقیقی، علل ارتکاب جرم را در بی‌تناسبی جسمی، روانی و اکتسابی بزهکار جستجو می‌کردند و بزهکار را محصول اختلاط و ترکیب عوامل درونی^(۲۳) مانند عوارض ناشی از اختلال دماغی و ساختمان بدنی و ژنتیکی و روانی چون صرع، جنون حالات نروز و عوامل ناشی از سن و غیره و همچنین عوامل بیرونی^(۲۴) شامل عوارض نامساعد محیط طبیعی، آب و هوا، منطقه، خانواده، مدرسه، محل کار، معاشرین و وضع بد اقتصادی و اجتماعی بزهکار می‌دانستند.

(۵-۲): در اوایل قرن بیستم تحت تأثیر افکار و عقاید مکتب تحقیقی حقوق جزا و مکتب اصالت عمل جزائی، بویژه نظریه «ادولف پرنیس» و گسترش افکار بشر دوستانه، در حقوق جزا نیز تحولاتی متناسب با زمان و پیشرفتهای جامعه به وجود آمد.

در این زمان، حقوق‌دانان کیفری و جرم‌شناسان، مجازات بزهکاران را از بعد دیگری مورد توجه قرار دادند و بتدریج اندیشه جایگزینی و دسترس به نظام حقوقی مستکی بر شیوه‌های جدید پیشگیری از جرم و دفاع اجتماعی و اصلاح بزهکاران اوج گرفت. این فکر با کوشش آقای «فیلیپوگراماتیکا»^(۲۵) تحقق یافت.^(۲۶)

مستأجر می‌تواند عین مستأجره را به دیگری اجاره بدهد مگر این‌که در عقد اجاره خلاف آن شرط شده باشد.

ماده ۴۷۴ قانون مدنی

هرگاه بنا و درخت بدون زمین فروخته شود حق شفعه نخواهد بود.

ماده ۸۰۹ قانون مدنی

طلاق در طهر موانعه مسیح نیست مگر اینکه زن یا ناسه یا حامل باشد.

ماده ۱۱۴۱ قانون مدنی

هرگاه یکی از دو مرد عادل شهادت دهد که شخصی شراب خورده و دیگری شهادت دهد که او شراب نمی‌کرده است حد ثابت می‌شود.

ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی

آب جو در حکم شراب است گرچه مست کننده باشد و خوردن آن موجب حد است.

تبصره ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی

هر کس در راهها و شوارع به نحوی از انحاء مرتکب راهزنی شود در صورتی که عنوان محاربت بر او صادق نباشد به ۱۵ تا ۱۵ سال حبس و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود.

ماده ۶۵۳ قانون مجازات اسلامی

هر کس محلی را برای شرب خمر دایر کرده باشد یا مردم را به آنجا دعوت کند به ۳ ماه تا دو سال حبس و (۷۴) ضربه شلاق و یا از یک میلیون و پانصد هزار تا دو میلیارد ریال جزای نقدی یا هر دو آن‌ها محکوم خواهد شد و در صورتی که هر دو مورد را مرتکب شود به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۷۰۴ قانون مجازات اسلامی

به نظر "گراماتیکا" برای اینکه حقوق جزا جای خود را به حقوق دفاع اجتماعی بدهد و نیز آشتی دادن میان فرد و جامعه و رفع بسیاری از حالات ضد اجتماعی،

جامعه و دولت باید اقدامهایی از قبیل برطرف نمودن عوامل و شرایط یا علل ناسازگاری فرد با جامعه، پافشاری بر اقدامات پیشگیری کننده به جای مجازات

بزهکاران، توجه به شخصیت بزهکار در اعمال اقدامات دفاع اجتماعی و همچنین جایگزینی سیستم حقوق دفاع اجتماعی به جای حقوق جزای فعلی انجام دهند. (۲۷)

(۶-۲): عقاید و افکار افسراطی "گراماتیکا"، بویژه در مورد مخالفت با سیستم حقوق مجازات موضوعات اصلی آن، نه تنها مورد قبول همگان واقع نشده،

بلکه حتی برخی از طرفداران خود این مکتب نیز از آن انتقاد کردند و بالاخره به رهبری "مارک آنسل" (۲۸) مکتب معتدل دفاع اجتماعی نوین، (۲۹) پایه گذاری شد.

"مارک آنسل" برخلاف "گراماتیکا" با به کار بردن اصطلاح «جرم» مخالفت ندارد و مسؤلیت بزهکار را به عنوان یک واقعیت درونی و اجتماعی می پذیرد و

هرگز حق مجازات را نفی نمی کند، در عین حال در سیاست کیفری دفاع اجتماعی نوین، حمایت از فرد در درجه اول اهمیت قرار می گیرد. بنابراین برای رسیدگی به

محاكمه باید هم «عمل ارتكابی مجرمانه» و هم خصوصیات واقعی شخص بزهکار مورد شناسایی دقیق قرار گیرد تا بتوان مناسبترین تدابیر قضائی را درباره او

اتخاذ نمود. به همین دلیل، مکتب دفاع اجتماعی پیشنهاد می کند که در هر محاکمه ای، علاوه بر پرونده قضائی،

پرونده دیگری نیز وجود داشته باشد که در بردارنده اطلاعاتی راجع به خصوصیات بدنی و روانی و زیست شناسی و اجتماعی بزهکار باشد. (۳۰)

می بینیم اگر در مکتب کلاسیک که مجرم بیش از هر چیزی از راه کیفر خطای خود اصلاح می شود، مکتب دفاع اجتماعی مصممانه متوجه آینده است و می خواهد

که از مفسر انسان جدیدی سازد. میراث از عسرتوب مسابق و مسابقه همای فستد اجتماعی. (۳۱)

مکتب دفاع اجتماعی، بزهکار را موجودی می بیند که از سرتوبه اجتماعی خویش فرو افتاده و بهتر است تا آنجا که ممکن است کوشش تا او را در اجتماع به

مقام سالم پیشین خود بازگرداند. (۳۲) به نظر می رسد دیدگاههای مکتب دفاع اجتماعی نوین به دیدگاههای دین مسیحی اسلام در امر جرم و نحوه پیشگیری از آن نزدیک باشد. بنابراین، قست سوم بحث را

به دیدگاههای کیفری دین اسلام اختصاص می دهیم. باید که در تطبیق این دو نظام فوری اصلاح شود.

(ادامه دارد...)

پی نوشتها:

۱- «... و هرکس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.» سوره مائده آیه ۳۲.

۲- «ای کمیل! هیچ حرکتی نیست مگر آنکه تو در آن حرکت نیازمند شناخت و آگاهی می باشی.» تحف العقول/۱۱۹.

۳- ژورژگوریچ، حقوق و جامعه شناسی، ترجمه دکتر مصطفی رحیمی، ص ۱۰۰.

۴- ژورژگوریچ، همان، ص ۹۴.

۵- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۱۵.

۶- تا آنجا که ما مطلع هستیم.

۷- فی المثل در شهرستان مرزی سلماص بسیاری از جوانان متدین و بازاریان متشرع به این نکته

اشارت داشتند چرا که بارها تجربه کرده اند ورود یک کالا، مدتی قاجاق و غیر قانونی و در نتیجه خلاف شرع محسوب می شود و بعد از مدتی بنا به مصالحی ورود همان کالا آزاد می گردد و یا اینکه ورود کالایی ممنوعیت قانونی دارد ولی فروش آن در بازار آزاد است. در این خصوص، موارد زیادی می توان شاهد آورد که حتی در شهرهای دور از مرز را نیز با چنین شبهاتی مواجه کرده است.

۸- آشوری، محمد، آئین دادرسی کیفری، جلد اول، ص ۱۳.

۹- استفتائاتی که در این سالهای اخیر در رابطه با مسائل مختلف حقوقی و کیفری از مراجع عظام شده است، گویای روشنی از این امر است. (الحین حمله از قتل هولادوند است که متأسفانه مرجع دقیق آن را یافتیم.)

۱۱- Saldana.

۱۲- مطلوبان، رضیا، جرم شناسی کلیات، چاپ دوم، ص ۱.

۱۳- همان، ص ۲.

۱۴- مارک آنسل، دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر آشوری و دکتر مجلی از نندآبادی، چاپ سوم، ص ۵۹.

۱۵- Brissot de Warville.

۱۶- لوی برول، حقوق و جامعه شناسی، ترجمه دکتر مصطفی رحیمی، ص ۱۵.

۱۷- سیکاربا، کتاب جرم و مجازاتها، ترجمه دکتر محمد علی اردبیلی، به نقل از کتاب حقوق جزای عمومی دکتر محمد صالح ولیدی ج اول ص ۲۱۹.

۱۸- لوی برول، حقوق و جامعه شناسی، ترجمه دکتر مصطفی رحیمی، ص ۳۰.

۱۹- سنج البلاغه ۱۱۶۴/ به نقل از مجله حقوقی (انگستری، شماره ۲۱، ص ۱۱۲).

۲۰- البته این تصور با دین اسلام سازگاری ندارد ولی به عللی عامه مردم ایران از چنین تصوری با شدت و ضعف برخوردارند.

۲۱- حساسی، ناصر، اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران، ص ۱۱.

۲۲- با انتشار کتاب انسان بزهکار در سال ۱۸۷۶.

۲۳- Facteurs Endogenes.

۲۴- Facteurs Exogenes.

۲۵- Gramatica.

۲۶- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی، جلد اول، ص ۲۸۰.

۲۷- همان، ص ۲۸۴.

۲۸- MARC ANCEL (1985).

۲۹- la Defense Sociale Nouvelle.

۳۰- ولیدی، محمد صالح، همان، ص ۲۸۶.

۳۱- لوی برول، حقوق و جامعه شناسی، ترجمه دکتر مصطفی رحیمی، ص ۳۲.

۳۲- همان، ص ۲۰.